

# پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شماره ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

صص ۱۴۳-۱۶۶ (مقاله پژوهشی)

No. 41, Autumn & Winter 2020/2021

## معناشناسی واژه‌های «امانی» و «امنیه» در بافتار آیات قرآن کریم

فرهاد زینلی بهزادان<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۱۲ – تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۵/۱)

### چکیده

منظور از معناشناسی واژه‌های «امانی» و «امنیه» در بافتار آیات قرآن کریم، تحلیل معناشناختی این واژه‌ها در بافت زبانی و موقعیتی آنهاست. در این تحلیل علاوه بر سیاق، آیات نظری، اسباب نزول، مردم‌شناسی مخاطبان و سبک ارجاعی قرآن کریم آن‌گونه که ونزیرو ادعا می‌کند، نیز لحاظ می‌گردد. از معناشناسی واژه‌های «امانی» و «امنیه» در بافتار آیات قرآن کریم این نتیجه کلی حاصل می‌شود که این واژه‌ها در تمام کاربردهای قرآنی خود با مفهوم «وعده» ارتباط معناشناختی نزدیکی دارند و به معنای «وعده‌های» خوشایندی هستند که انسان به خود و پیروان خود می‌دهد. مصادیقی از آمانی، وعده‌هایی باطل و ناشی از فریبکاری شیطان هستند: مانند وعده داخل شدن در بهشت و رهایی سریع از آتش جهنم که یهودیان غرق در گناه دل خود را به آنها خوش کرده بودند و بی‌هیچ مستندی از وحی و تورات در این باره گمانه‌زنی می‌کردند. اما گاهی مصادیق این وعده‌ها حق است: چنانکه در آیه ۵۲ سوره حج، مصادیق واژه «امنیه»، «وعده فرج» است که انبیا و رسولان الهی آن را از وحی دریافت کرده و دلهای خود و پیروان خود را با آن محکم می‌کردند: این آیه در ارجاع به «وعده فرج» که در زبور حضرت داود علیه السلام قرار دارد، بیان شده است و تعبیر «القای شیطان» در این آیه، در ارجاع به پاسخ نمادین به شیطان در مراسم رمی جمرات بیان شده است. این مراسم در سرزمین «منا» انجام می‌شود که نام آن با واژه «امنیه» هم ریشه است.

کلید واژه‌ها: آمانی، امنیه، بافت زبانی، بافت موقعیتی، سبک ارجاعی

۱. عضو هیات علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان؛ farhadzeinali@gmail.com

## ۱- مقدمه و بیان مساله

واژه «آمانی» از ماده «م ن ۵» و جمع «آمنیه» است (ابن‌منظور، ۲۹۴/۱۵). این واژه پنج بار و در چهار آیه قرآن کریم به کار رفته است (البقره، ۷۸ و ۱۱۱، النساء، ۱۲۳، الحیدد، ۱۴). شکل مفرد واژه «آمانی» یعنی واژه «آمنیه»، تنها یک بار و در ارتباط با فعل ماضی «تمنی» به کار رفته است: کاربرد اخیر که مربوط به آیه ۵۲ سوره حج است، از دیر باز زمینه ساز تفسیرهایی انحرافی گشته است که آخرین مورد آن در کتاب آیات شیطانی آمده است. برخی صحابه و تابعان بر مبنای تفسیر واژه «آمنیه» به معنای «آرزو» در آیه ۵۲ سوره حج، سبب نزول این آیه را به ماجرای ربط داده‌اند که به علت ناسازگاری با عصمت رسول اکرم ص، این ماجرا به افسانه غرائیق مشهور شده است. در دو روایت نخست از افسانه جعلی غرائیق که طبری آن دو را مقدم بر سایر روایات نقل کرده است، فعل «تمنی» به معنای میل و آرزوی رسول اکرم (ص) برای مجامله با مشرکان آمده است: «...فتمنی یومئذ أن لا يأتيه من الله شيء فينفروا عنه»، «... تمنى في نفسه أن يأتيه من الله ما يقارب به بيته و بين قومه...». توضیح این عبارات این است که در روایات مذکور ادعا شده است که هنگام سخن گفتن رسول اکرم (ص) با خود و آرزوی او در خلوت خود نسبت به نزول آیاتی که میان او و مشرکان الْفت برقرار کند و در آثنا نزول آیاتی از سوره نجم، شیطان کلماتی را بر زبان آن حضرت جاری می‌سازد که در مدح سه بت لات، منات و عُزی هستند: «تلک الغرائیق العلی، و إن شفاعتهن ترتضی» (طبری، ۱۳۱/۱۷). در روایتی دیگر از افسانه غرائیق که طبری آن را از زبان ضحاک نقل می‌کند، واژه «آمنیه»، به معنای «تلاوت» به کاررفته است: به این صورت که ضحاک مدعی شده است که در ادامه نزول آیاتی از سوره نجم و هنگام تلاوت آنها توسط رسول اکرم ص، شیطان این کلمات را در تلاوت آن حضرت وارد کرد: «تلک الغرائیق العلی، منها الشفاعة ترجی» (همانجا، ۱۳۳).

مفسران در تفسیر واژه «آمنیه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج، حداقل سه معنای «آرزو»،

«تلاوت» و «با خود حدیث گفتن» را ذکر کرده‌اند (به ترتیب نک : طباطبایی، ۳۹۱/۱۴ قرطبي، ۸۰/۱۲، ميدى، ۳۸۶/۶). مفسران در ارتباط با پنج کاربرد قرآنی واژه «امانی» - که جمع واژه «امنیه» است - شش معنای «آحادیث»، «آکاذیب»، «أباطيل»، «مواعید بی اساس»، «مزاعم» و «تلاوت» را ذکر کرده‌اند (به ترتیب نک : هواری، ۱۱۷/۱، زحلی، ۱۹۶/۱ سمرقندی، ۶۷/۱، آلوسی، ۳۰۲/۱ و طباطبایی، ۸۶/۵، حقی بروسوی، ۴۹/۶). بنابراین با توجه به همه کاربردهای قرآنی، می‌توان نتیجه گرفت که مفسران در تفسیر یک کاربرد واژه «امنیه» و شش کاربرد واژه «امانی»، در مجموع هشت معنای مختلف را ذکر کرده‌اند که حاکی از اختلاف نظر شدید در زمینه معناشناسی این واژه‌هاست و نیاز به پژوهش در این زمینه را آشکار می‌سازد.

از بررسی پیشینه پژوهش درباره معناشناسی واژه‌های «امانی» و «امنیه» در قرآن کریم این نتیجه حاصل می‌شود که پژوهش در این زمینه به طور عمده محدود به اظهار نظرهای مختصر مفسران در کتب تفسیری می‌شود: آنها از دیرباز واژه‌های «امانی» و «امنیه» را به صورت منفرد و بدون توجه به بافتار آیات تفسیر کرده‌اند و تفسیر ارایه شده بیشتر متاثر از اقوال تفسیری صحابه و تابعان بوده است اما برخی مفسران متاخر مانند علامه طباطبایی و عبدالکریم خطیب، پیرو روش تفسیری قرآن با قرآن، به تفسیر واژه «امنیه» با توجه به بافت آیات دربرگیرنده آن، توجه نشان داده‌اند.

علامه واژه «امنیه» در آیه ۵۲ سوره حج را به معنای آرزوی قلبی انبیا و رسولان الهی نسبت به پیشرفت دین و ایمان مردم به آن تفسیر می‌کند و القاءات شیطان در «امنیه» انبیا و رسولان الهی و ابطال آنها را بدین گونه تفسیر می‌کند که، هر رسول و نبی هنگامی که آرزوی قلبی اش - یعنی هماهنگی اسباب در جهت پیشرفت دینش و روی آوردن مردم و ایمان به آن را در نظر گرفت - شیطان در آن مداخله کرد و با وسوسه مردم و برانگیختن ظالمان و تحریک مفسدان، کار و تلاش آن رسول و نبی را مختل کرد سپس خدا القاءات شیطان را از بین برده سپس با به ثمر رساندن تلاش رسول و نبی و ظاهر ساختن حق،

آیاتش را محکم می‌سازد. در این تفسیر احکام آیات با «به ثمر رساندن تلاش رسول و نبی» توسط خداوند متعال محقق می‌شود (طباطبایی، ۳۹۱/۱۴). از این سخن علامه که می‌گوید: «... ثم يحکم الله آیاته بإنجاح سعی الرسول أو النبي...». برداشت می‌شود که از نظر او مصدق آیات در این آیه، تلاش‌های انبیاء و رسولان الهی در راه پیشرفت دین است. علامه مرجع ضمیر هاء در آیه ۵۴ از سوره حج و در عبارت «أَنَّهُ الْعَقْدُ مِنْ رَبِّكَ» را «ما تمنَّاه الرسول أو النبي» یا همان «تمنای رسول و نبی» می‌داند و آن را از عبارت «إِذَا تَمَّنَّى» بدست می‌آورد. از نظر علامه، اهل علم به دلیل باطل شدن إلقای شیطان همچنین احکام آیات الهی، نسبت به حقانیت و منشاء الهی «تمنای رسول و نبی» علم پیدا می‌کنند (همانجا، ۳۹۳). در نقد نظر علامه باید به این نکته توجه داشت که آرزوی قلبی پیامبران نسبت به پیشرفت دین و ایمان مردم به آن امری انشائی است و خبر نیست بنابراین نمی‌تواند قابلیت صدق و کذب و اتصاف به صفت «حق بودن» را داشته باشد. بنابراین پی بردن اهل علم به حقانیت «تمنای رسول و نبی»، وجهی ندارد و نیاز است واژه «امنیه» به گونه‌ای تفسیر شود که قابلیت اتصاف به صفت «حق بودن» داشته باشد. در نقدی دیگر باید گفت که علامه واژه «امنیه» را مستقل از مفهوم «سعی کافران در آیات» در آیه ۵۱ سوره حج تفسیر کده است در نتیجه ارتباط معناشناختی «إلقای شیطان» در آیه ۵۲ سوره حج با مفهوم «سعی کافران در آیات» در آیه ۵۱ را روشن نکرده است و لازم است در این باره تحقیق شود.

عبدالکریم خطیب واژه «امنیه» در آیه ۵۲ سوره حج را به «آرزوی هر نبی و رسول برای هدایت همه افراد قومش» تفسیر می‌کند که شامل همه انبیاء و رسولان الهی می‌شود. او القای شیطان در «امنیه» انبیاء و رسولان الهی را بدین گونه تفسیر می‌کند که شیطان سفیهان، احمقان و جاهلان را وسوسه می‌کند تا آنها در برابر تحقق این آرزوی انبیاء و رسولان الهی باشند. در این نزاع شیطان با انبیاء و رسولان الهی، کید شیطان به علت ضعف توان مقابله با حق را ندارد و خداوند آن را باطل می‌سازد و انبیاء و رسولان الهی با پیروانشان – که عده قلیلی هستند – از این نزاع نجات می‌یابند (خطیب، ۱۰۶۳/۹-۱۰۶۵). از نظر خطیب

عبارت «ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ» به نجات نبی یا رسول از بلای دشیسه‌های شیطان اشاره می‌کند و نبی و رسول را مصدق آیات الهی تثبیت شده معرفی می‌کند (همانجا، ۱۰۶۶). از نظر خطیب متعلق علم اهل علم در آیه ۵۴ سوره حج «محتوای دعوت رسول و نبی» است و فرایند آن را چنین تبیین می‌کند که از سایش حقی که پیامبران به آن دعوت می‌کنند بر باطلی که شیطان القا می‌کند، جرقه‌هایی درخشان ساطع می‌شود که اهل علم در نور آن جرقه‌های درخشان به فرق بین حق و باطل پی می‌برند و در نتیجه شناختشان نسبت به حق تقویت شده و به آن اطمینان بیشتری پیدا می‌کنند (همانجا، ۱۰۶۹). به نظر می‌رسد تفسیر خطیب نمی‌تواند نحوه علم پیدا کردن اهل علم در آیه ۵۴ را توضیح دهد و ادعایی بسیار دلیل است بنابراین باید تفسیری ارایه گردد که نحوه علم پیدا کردن اهل علم در آیه ۵۴ را توضیح دهد. به نظر می‌رسد با بهره‌گیری از کارکردهای «بافت» در دانش معناشناسی می‌توان افقی نو فراروی تفسیر واژه‌های «امانی» و «آمنیه» در آیات قرآن کریم باز کرد. از نگاه دانش معناشناسی، «بافت» از تاثیرات معناشناختی توالی کلمات و جملات بر یکدیگر فراتر می‌رود و علاوه بر آن شامل فضای محیطی و روانی حاکم بر گوینده و شنوونده می‌شود که خود نیازمند بررسی‌های فرهنگی، محیطی و اجتماعی است (عموش، ۳۰). از نظر اولمان بافت تنها شامل کلمات و جملات مرتبط با لفظ مورد نظر نمی‌گردد بلکه تمام قطعه شعری و کتاب و تمام شرایط و مناسبات محیط بر کلمه را در برمی‌گیرد (همانجا، ۳۶).

در دانش معناشناسی مفهوم «بافت» در دو شکل «بافت زبانی» و «بافت موقعیتی» بررسی می‌گردد: از منظر معناشناسی نظری ایده اصلی در بررسی همنشینی معنایی این است که کلمات در همنشینی با یکدیگر و در قالب عبارت، جمله یا متن - که از آن با اصطلاح «بافت زبانی» تعبیر می‌شود - بر معنای یکدیگر تاثیر می‌گذارند. (صفوی، ۴۸-۴۷) معنی شناسی کاربردی به عنوان شاخه دوم معنی شناسی زبانی، به «بافت موقعیتی» یا همان «دلالت ارجاعی» (reference) نیز می‌پردازد. «دلالت ارجاعی» به رابطه واژگان و جملات با مصاديق خارج از نظام زبان اشاره دارد (همانجا، ۶۱) عواملی چون: کیستی گوینده،

شنونده و شاهدان گفتگو، چیستی موضوع و قصد گفتگو، چگونگی زمان و مکان گفتگو، رویدادی که گفتگو در آن شکل می‌گیرد، مجرایی که گفتگو از طریق آن انجام می‌پذیرد مثل تلفن، نامه، تلگرام، پیامک، وحی...، چیستی زبان و رموزی که گفتگو با آن انجام می‌پذیرد، «بافت موقعیتی» را به وجود می‌آورند و با بر هم کنش بر یکدیگر معنا را ایجاد می‌کنند. (صفوی، ۲۰)

مفهوم بافت و کارکردهای معناشناختی آن مورد توجه مفسران مسلمان نیز بوده است و «بافت زبانی» به مفهوم «سیاق» در سنت تفسیری مسلمانان نزدیک است اما طبق برخی تعریف‌ها از مفهوم «سیاق»، تفاوت‌هایی بین این دو مفهوم دیده می‌شود: برخی، «سیاق» را قرینه‌ای لفظی می‌دانند که از همنشینی واژه‌ها، جملات و آیاتی که از پیوستگی در نزول و وحدت موضوعی برخوردارند، ایجاد می‌شود (برگرفته از مباحث بابایی و همکاران، ۱۳۷-۱۲۴) بنابراین در مواردی که بین آیات وحدت موضوعی وجود دارد اما پیوستگی در نزول وجود ندارد، تاثیر معناشناختی جملات و آیات بر یکدیگر را از نوع تاثیر «سیاق» نمی‌دانند (همانجا، ۱۲۸) در این تلقی از سیاق، تفسیر آیات قرآن کریم به قرینه آیات نظیر آنها - آن طور که در روش تفسیری قرآن با قرآن معمول است - مشمول مفهوم «سیاق» نیست. حال آنکه مفهوم بافت زبانی در دانش معناشناستی، علاوه بر تاثیرات معناشناختی آیات همنشین، تاثیرات معناشناختی آیات نظیر را نیز در بر می‌گیرد.

تفسران مسلمان در تفسیر آیات به بافت موقعیتی نیز توجه نشان داده‌اند و اهتمام به مکان، زمان و حوادث مرتبط با نزول آیات که در مباحث مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ و اسباب نزول تجلی یافته است، شاهدی بر این ادعاست اما آنها کمتر به دلالت‌های ارجاعی آیات و رابطه معناشناختی پنهان آنها با سایر متون مقدس همچون عهد عتیق و عهد جدید، توجه نشان داده‌اند. ونبرو در سراسر آثارش به این ویژگی اساسی قرآن کریم اشاره کرده است و از آن با عنوان سبک «ارجاعی» قرآن کریم یاد می‌کند. یکی از روشن‌ترین مثال‌های ونبرو درباره سبک ارجاعی قرآن کریم، مربوط به مبهم بودن نام بنیامین در آیه ۵۹ سوره

یوسف است؛ او معتقد است که قرآن کریم با اتکا بر داستان یوسف ع در تورات، اطلاع مخاطبان از بنیامین را مفروض انگاشته است و در سوره یوسف (ع) و هیچ سوره دیگری، به بنیامین و اینکه او بخاطر نگرانی پدر از سلامتی اش در خانه ماند و با برادران به مصر سفر نکرد، اشاره‌ای نشده است. در رویکرد ارجاعی به متن قرآن کریم، مخاطبان فقط دریافت کننده محض سخنان خدا نیستند بلکه از نقشی فعال در پرکردن جزئیات و حلقه‌های مفقود در سخنان نازل شده برخوردارند (ریپین، ۲۳/۴۰۴-۲۰۲).

## ۲- معناشناسی واژه «امانی» در آیه ۷۸ و ۱۱۱ سوره بقره

واژه «امانی» در آیه ۷۸ سوره بقره در ارتباط با اهل کتاب و در بافتار اشاره به تحریف و کتمان کلام الهی توسط آنان و اقدام آنان به جعل نوشته‌هایی به نام خدا بیان شده است. این بافتار در دسته آیات ۷۵ تا ۸۱ از سوره بقره منعکس شده است.

عبارت «يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرُقُونَهُ» در آیه ۷۵ از سوره بقره، به تحریف سخنان خدا توسط علمای یهود اشاره دارد. این آیه با اقدام برخی از علمای یهود که به تحریف صفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تورات اقدام کرده بودند، قابل تطبیق است: در روایتی از امام باقر ع به این تحریف علمای یهود اشاره شده است و انگیزه آن ایجاد شک برای عوام یهودی بیان شده است (طبرسی، ۳۲۲/۱). چنانکه قرآن کریم تصریح می‌کند در تورات وعده آمدن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مكتوب بوده است همراه با این مژده که، آن حضرت برای آنها فرج و گشایش خواهد آورد و بارهای سنگین و زنجیرها را از آنها خواهد گشود (الاعراف، ۱۵۷). به اعتبار این وعده توراتی، یهود در برابر دشمنی کافران طلب فرج می‌کردند (البقره، ۸۹) اما چنانکه آیه اخیر اشاره می‌کند، علمای یهود با بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به آن حضرت کافر شدند. برخی از آنها به تحریف صفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تورات و برخی از آنان به کتمان این وعده اقدام کردند: طبق روایتی از امام باقر (ع)، آیه ۷۶ از

سوره بقره به کتمان صفات رسول اکرم ص توسط بزرگان یهود اشاره می‌کند که در تورات نوشته شده بود (طبرسی، ۲۸۶/۱). طبق این آیه، کتمان و عده بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به این صورت بود که آنها بعد از بعثت آن حضرت، عوام یهودی را از افشای این وعده برای مسلمانان نهی می‌کردند با این استدلال که در صورت افشای این وعده، مسلمانان در روز قیامت نزد خداوند علیه آنها محاجّه خواهند کرد. در آیه ۷۷، خداوند پرده از این فریبکاری علمای یهود برداشته و در جهت آگاه کردن عوام یهودی، خداوند را مطلع از غیب و آشکار آنان معرفی می‌کند. آیه ۷۹ به انگیزه مالی علمای یهود در تحریف صفات توراتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نوشتن صفاتی جعلی به جای آن اشاره می‌کند: ابن عباس در تفسیر عبارت «فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يُقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَّا قَلِيلًا»، به تغییر صفات رسول اکرم محمد (ص) توسط برخی علمای یهود اشاره می‌کند و انگیزه مالی آنها را چنین بیان می‌کند که آنها می‌ترسیدند که عوام یهود به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ایمان آورده و از حمایت مالی خود از آنها دست بردارند (سیوطی، ۸۲/۱).

در میانه این بافت از آیات مربوط به تحریف و کتمان و عده تورات مبنی بر بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توسط علمای یهود و تحمیق عوام یهودی توسط آنها، در آیه ۷۸ به «امانی» اشاره شده است که منتهای معلومات عوام یهود بوده است: بنا بر فرض منقطع بودن استشنا در آیه ۷۸ (نک: بیضاوی، ۸۹/۱). «امانی» عوام یهود ربطی به کتاب تورات ندارد بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این «امانی» ریشه در جعلیات علمای یهود دارد. بر اساس عبارت همنشین با واژه «امانی» یعنی عبارت قرآنی «وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظْنُونَ» این «امانی» محصول گمانهزنی است. طبق آیه ۸۰ از سوره بقره، علمای یهود به جماعت یهود از طرف خدا و عده رهایی سریع از آتش جهنم را می‌دادند و قرآن کریم این وعده را محصول گمانهزنی و نوعی افترا بر خداوند می‌داند و تاکید می‌کند همه کسانی که غرق در معصیت هستند برای همیشه در جهنم باقی خواهند ماند. با توجه به وقوع واژه «امانی» در

بافتنی از آیات مربوط به « وعده »، این فرضیه قوت می‌گیرد که این واژه با مفهوم « وعده » رابطه معناشناختی دارد: بنابراین واژه « أمانی » در آیه ۷۸ از سوره بقره، قابل تطبیق بر آیه ۸۰ و بر وعده‌هایی است که علمای یهود در جهت حفظ هویت یهودی و استمرار منافع مالی خود در برابر هجوم اسلام، جعل کرده و به عوام یهودی تعلیم می‌دادند: وعده‌هایی دروغین از زبان خدا مثل وعده رهایی سریع از آتش جهنم، که در آیه ۸۰ از سوره بقره، به آن اشاره شده است. شاهد دیگر بر صحبت این فرضیه در آیه ۱۱۱ سوره بقره آمده است: بر اساس این آیه هر یک از دو گروه یهودیان و مسیحیان بدون آنکه مستندی از طرف خداوند داشته باشد به خود از طرف او وعده بهشت می‌دادند. در این آیه با کمک اسم اشاره « تُلْكَ » این وعده‌ها مصدق « أمانی » معرفی شده‌اند.

عدم استناد « أمانی » عوام یهود به کتاب تورات و هیچ برهان دیگری، در هر دو آیه ۷۸ و ۱۱۱ از سوره بقره مورد توجه قرار گرفته است. عبارت « تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ » در آیه ۸۰ سوره بقره نشان می‌دهد که « أمانی » آنها با نسبت دادن بی دلیل اموری به خداوند مرتبط بوده است. تعدیه « تَقُولُونَ » با حرف تعدی « على » در عبارت « تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ » به معنای گفتن سخنی از طرف خدا بر سبیل افتراست و به سان برخی کاربردهای فعل « تمّنی » است که با حرف « على » متعدد شده و به معنای وعده دروغ دادن از طرف خداست: بغدادی در توضیح عبارت « تمّنی على الله الأمانی » از حدیث نبوی، آن را به این گفته یهودیان گناهکار ربط می‌دهد که بعد از روی آوردن به گناه چنین می‌گفتند: « سَيُغْفِرُ لَنَا » و این گفته را دقیقاً مصدق عبارت حدیثی « تمّنی على الله الأمانی » می‌داند. (بغدادی، ۲۶۵/۲). عبارت « سَيُغْفِرُ لَنَا » اشاره به تمّنی گروهی از یهودیان دارد که به دنیا اندوزی پرداخته و برخلاف تعالیم تورات، از طرف خداوند به خود وعده می‌دادند که مورد عفو او قرار خواهند گرفت (الاعراف، ۱۶۹).

ارتباط معناشناختی واژه « أمانی » با مفهوم « وعده » در بافت آیه ۷۸ سوره بقره، نظر ابومسلم اصفهانی درباره معناشناسی این واژه را تایید می‌کند: او واژه « أمانی » در آیه ۷۸

سوره بقره را به معنای «مواعید بی اساس» می‌داند و هنگام ذکر مصاديق این معنا به «وعدهایی بی‌پایه» اشاره می‌کند که عوام یهودی از آثار خود می‌شنیدند مبنی بر اینکه در بهشت کسی جز یهودیان وارد نخواهد شد و اینکه آتش جز روزهایی اندک، با آنها تماس پیدا نخواهد کرد. نظر ابومسلم بر این فرض استوار است که استثنای موجود در عبارت «الآن آمانی» از آیه ۷۸ سوره بقره منقطع باشد (آل‌وسی، ۳۰۲/۱). برخی مفسران واژه «آمانی» در این آیه را به معنای «اکاذیب» می‌دانند (طباطبایی، ۲۱۵/۱، زحلیلی، ۱۹۶/۱، ابن عجیبه، ۱۲۲/۱). معنای «اکاذیب» با نظر ابومسلم اصفهانی قابل جمع است زیرا «مواعید بی اساس» مصادقی از «اکاذیب» هستند. معنای «اباطیل» به عنوان احتمالی دیگر (نک: سمرقندی، ۶۷/۱) نیز با معنای «مواعید بی اساس» قابل جمع است چون «مواعید بی اساس» غیرمستند و در نتیجه باطل هستند. زمخشri در تفسیر «آمانی» در آیه ۷۸ سوره بقره مثالهایی را ذکر می‌کند که همگی مصدق «مواعید بی اساس» هستند (زمخشri، ۱۵۷/۱).

برخی دیگر از مفسران واژه «آمانی» در آیه ۷۸ سوره بقره را به معنای «تلاؤت» دانسته‌اند: یعنی بهره عوام یهودی از تورات فقط تلاؤت صرف بوده و به معنای آن پی نمی‌بردند یا اینکه سواد خواندن خط تورات را نداشتند و فقط آن را از حفظ می‌خوانندند بدون آنکه به معنای آن پی ببرند (حقی بروسی، ۴۹/۶، بغوی، ۱۳۶/۱). معنای «احادیث» که برخی دیگر ذکر کرده‌اند عبارت دیگری از معنای «تلاؤت» است: یعنی عوام یهودی اطلاعی مستقیمی از متن تورات نداشتند مگر آن مقدار که به آنها گفته شده بود (هواری، ۱۱۷/۱). به عبارت دیگر آنها فهمی از تورات نداشتند و به آنچه می‌شنیدند و بر آنها تلاؤت می‌شد اکتفا می‌کردند (ابن جوزی، ۸۱/۱). این معانی با بافت آیه ۷۸ سوره بقره همخوانی ندارد: چون تاکید بافت آیات پیرامون این آیه بر تحریف، جعل و افتراء بر خداوند از سوی علمای یهود است و با معنای «مواعید بی اساس» سازگارتر است به ویژه آنکه در آیه ۱۱۱ سوره بقره وعده بی‌پایه ورود به بهشت که یهودیان دل خود را با آن خوش کرده بودند، مصدق «آمانی» معرفی شده است.

### ۳- معناشناسی واژه «امانی» در آیه ۱۴ سوره حديد

کاربرد دیگر واژه «امانی» در آیه ۱۴ سوره حديد است: در این آیه واژه «امانی» در بافت مربوط به فریب و در ارتباط با منافقان که در آیه ۱۳ از این سوره به آنها اشاره شده است، به کار رفته است: به نظر می‌رسد منظور از منافقان در این آیه جماعتی از یهود هستند که در ظاهر به اسلام ایمان آورده اما در خلوت اعتقادی به اسلام نداشتند: به این دلیل که در بافتی مشابه و در آیات ۷۶ تا ۷۸ از سوره بقره نام این یهودیان در پیوند با «امانی» و «نفاق» مطرح شده است. چنانکه آیه ۷۶ از سوره بقره گزارش می‌دهد این گروه از یهودیان در ظاهر و در ملاقات با مومنان اظهار اسلام می‌کردند اما در خلوت اعتقادی به اسلام نداشتند: به همین دلیل منافق نام گرفته‌اند.

ویژگی «امانی» مورد نظر در آیه ۱۴ سوره حديد، فریبا بودن آنهاست و از آنجا که منافقان را فریب می‌دهند می‌توان نتیجه گرفت که ظاهری خوشایند اما باطنی پوج دارند. طبق آیه ۱۴، «امانی فریبا» از «غَرُور» نشات می‌گیرند: مصدق «غَرُور» از نظر مفسران همان «شیطان» است (طوسی، ۵۲۷/۹، طبرسی، ۳۵۵/۹، زمخشri، ۱۷۶/۴، الوسی، ۱۷۸/۱۴، طباطبایی، ۱۵۷/۱۹) شیطان با «وعده‌های فریبنده» انسان را فریب می‌دهد: «...وَ عِدْهُمْ وَ ما يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (الاسراء، ۶۴) چنانکه حضرت آدم و حوا علیهم السلام را با « وعده» خوشایند و پوچ «فرشته شدن» و «جاودانه شدن» فریفت (الاعراف، ۲۱-۲۲). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «فریبا بودن» ویژگی مشترک «وعده‌های» شیطان و «امانی» او است و این ویژگی مشترک نشان از پیوند معناشناختی نزدیک این دو مفهوم دارد. رهایی سریع از آتش جهنم که یهودیان غرق در گناه به خود وعده می‌دادند و در آیه ۸۰ سوره بقره و در بافت مربوط به تشریح «امانی» به کار رفته است، نمونه‌ای از این «امانی» است: وعده رهایی سریع از آتش جهنم، در آیه‌ای دیگر فریبنده معرفی شده است (آل عمران، ۲۴) بنابراین از منظر معناشناختی، وعده رهایی سریع از آتش جهنم به علت وصف فریبایی، می‌تواند مصدقی از «امانی» باشد. قابل ذکر است که علامه مجلسی در شرح عبارت حدیثی

«غُرّتہ الامانی»، که به فریبا بودن «امانی» اشاره می‌کند، واژه «امانی» را به معنای «وعده‌های کاذب» شیطان می‌داند (مجلسی، ۱۴۵/۱۱).

#### ۴- معناشناسی واژه «امانی» در آیه ۱۲۳ سوره نساء

واژه «امانی» در آیه ۱۲۳ سوره نساء در بافتی از آیات مربوط به شریک گرفتن بت‌های مونث برای خدا، «وَعْد» و «تمنیه» شیطان و «وعده» بهشت به مومنان صالح، بیان شده است: این بافتار در دسته آیات ۱۱۶ تا ۱۲۳ از سوره نساء منعکس شده است.

منظور از بت‌های مونث در آیه ۱۱۷، سه بت لات، عُزّی و منات است. (ابن عاشور، ۲۵۶/۴). نام این سه بت در افسانه غراییق نیز ظاهر می‌شود (طبری، ۱۳۲/۱۷). در سوره نجم نام سه بت لات، عُزّی و منات، با موضوع پسردار شدن و فعل ماضی «تمنی» همنشین شده است (النجم، ۲۴-۱۹).

بررسی‌های مردم شناختی درباره بُت منات این فرضیه را تقویت می‌کند که مشرکان برای ایجاد گشاپیش در مواجهه با امور ناگوار به این بت پناه می‌برند: جواد علی بر این نظر است که بت «منات» در ذهن مشرکان خدایی کریم بوده که در ناگواری‌ها و سختی‌ها بندگان خود را یاری می‌کرده است و بت «منات» قسمت‌ها، «امانی» و خصوصاً مرگ را نمایندگی می‌کرده است (جواد علی، ۱۹۸/۶-۱۹۷). در لغت «منیه» به معنای «مرگ» و هم ریشه واژه «منات» است (ابن‌منظور، ۲۹۲/۱۵). طبق گزارش جواد علی، مشرکان معتقد بودند که خدایان به عبادت کنندگانی که برای معبد نذر می‌کردند مال و برکت و فرزند پسر عطا می‌کنند و آنها را از بلا، آفت و بیماری نجات می‌دهند و جانشان را در جنگها نجات می‌دهند (جواد علی، ۱۴۲/۶-۱۴۱). بیومی بر این نظر است که بت «منات» در میان نبطی‌ها نماینده «امانی» و خدای سرنوشت بوده و اسم آن از واژه عربی «منیه» به معنای «سرنوشت مقدر» گرفته شده است. همچنین «مناتو» در میان بابلیان خدای سرنوشت بوده است. (بیومی، ۱/۲۰۲) هاکس «منی» را بتی می‌داند که در کتاب اشیعیا از عهد عتیق نامش ذکر

شده است و در فارسی نامش به «بخت» ترجمه شده است (هاکس، ۸۴۰). اشاره به موضوع پسردار شدن، بلافصله بعد از ذکر اسم منات در آیه ۲۰ سوره نجم، می‌تواند اشاره تلویحی به این عمل مشرکان داشته باشد که از ترس دختردار شدن، به بت منات متولسل می‌شدن. در لغت، واژه «منی» هم ریشه واژه «منات» و به معنای آب مرد است که قابلیت تبدیل به دختر و پسر را دارد (صاحب، ۴۱۶/۱۰). از آنجا که دختردار شدن در نظر مشرکان امری ناگوار بوده است (النحل، ۵۸)، بعید نیست که آنها برای تبدیل نشدن «منی» خود به دختر، نزد بت مونت «منات»، «تمنی» می‌کردند. کاربرد فعل «تمنی» در آیه ۲۴ سوره نجم و در ارتباط با اسم بت «منات» در آیه ۲۰، شاهدی بر این ادعاست.

چنانکه از دسته آیات ابتدای این بخش پیداست، واژه «امانی» در بافت اشاره به «وَعْد» و «تمنیه» شیطان به کار رفته است: در آیه ۱۱۸ شیطان محرك مشرکان در شریک گرفتن بت‌ها معرفی شده است و طبق آیه ۱۲۰ سوره نساء او با «وَعْد» و «تمنیه» مشرکان را فریب می‌دهد. واژه «وَعْد» مصدر و به معنای «وعده دادن» است که علاوه بر وعده‌های خوشایند شامل وعده‌های ناخوشایند هم می‌شود (بیضاوی، ۱۶۰/۱) به عنوان مثالی برای «وعده‌های» ناخوشایند می‌توان از وعده فقیر شدن یاد کرد که شیطان به دوستانش وعده می‌دهد (البقره، ۲۶۸). «تمنیه» از باب «تفعیل» و هم ریشه واژه «امانی» است و به معنای «وعده دادن به دیگری» است اما مصدر «تمنی» از باب تَقْتُل است و به اقتضای معنای مطاوعه از این باب، به معنای «وعده دادن به خویشتن» است. «تمنی» در لغت به دو معنای «آرزو کردن امری دوست داشتنی» و «با خود سخن گفتن درباره آنچه خواهد شد و نخواهد شد»، آمده است (ابن‌اثیر، ۳۶۷/۴). هر دو معنا با معنای «به خود وعده خوشایند دادن» مناسبت دارد. علامه مجلسی لغت «آمنیه» را به معنای امید به امری دوست داشتنی یا وعده دادن به آن می‌داند: «وَالْأَمَانِي جَمْعُ الْأَمْنِيَةِ وَهُوَ رَجَاءُ الْمَحِبُوبِ أَوْ الْوَعْدُ بِهِ». (مجلسی، ۱۷۶/۴).

ابن عاشور در تفسیر تمنیه شیطان، چنین می‌گوید: «معنى «وَلَامْنِيَّهُمْ»: لَا عَدْنَهُمْ مواعيد كاذبة... يقال: «مناه»، إذا وعده المواعيد الباطلة: معنای «وَلَامْنِيَّهُمْ» این است: قطعاً به آنها

وعده‌های دروغ می‌دهم ... گفته می‌شود: «مناه» هنگامی که به او وعده‌های باطل دهد (ابن عاشور، ۲۵۸/۴). طبق آیه ۱۲۰ سوره نساء عاملِ شکل‌گیری «أمانی» مشرکان، تمنیِ شیطان است. «أمانی» فقط شامل وعده‌های خوشایند می‌شوند اما در مواجهه با شرایط ناگوار شکل می‌گیرند و در مورد آمانی باطل، خوشایند بودن ظاهر آنها پوششی بر کذب و بی‌پایه بودن آنهاست: پیش از این ذکر شد که مشرکان برای مواجهه با شرایط ناگوار به بت منات به عنوان خدای «أمانی» متولّ می‌شدند. مشرکان از ترس مكافات دنیوی اعمال بدشان، به بت منات پناه می‌آورند و دل خود را با «أمانی» یا همان وعده‌های مربوط به بخشنوده شدن خوش می‌کرند. جواد علی در باره اعتقاد مشرکان درباره آثار اعمال چنین گزارش می‌دهد که اعتقاد مشرکان این بود که هر آنچه انسان از کارهای خیر و شر انجام می‌دهد به زودی در همین دنیا به پاداش و عقابش می‌رسد و این آلهه هستند که پاداش می‌دهند و کیفر می‌کنند. اگر پاداش و ترس از عذاب در این دنیا نبود هرگز انسان بت پرستِ فقیر عزیزترین دارایی‌اش را تقدیم آلهه نمی‌کرد (جوادعلی، ۱۴۲/۶). بنابراین بهتر است که مرجع ضمیر «کُم» در عبارت قرآنی «لَيْسَ بِأَمَانِيْكُمْ» از دسته آیات ابتدای این بخش، مشرکان در نظر گرفته شود زیرا بافت آیات پیشین مربوط به شرک و سنت‌های شرک‌آلد مشرکان است و «أمانی» در ارتباط با آنها و در خصوص وعده‌های فریبنده شیطان به مشرکان یا همان «تمنیه»، مطرح شده است در نتیجه واژه «أمانی» در عبارت «لَيْسَ بِأَمَانِيْكُمْ» ربطی به مسلمانان ندارد و نباید «أمانی» را به معنای «آرزوی» مشرکان برای داخل شدن در بهشت دانست چون آنها چنین آرزویی نداشتند. قابل ذکر است که در برخی از تفاسیر به عنوان یک احتمال مرجع ضمیر «کُم» در عبارت «لَيْسَ بِأَمَانِيْكُمْ» مشرکان در نظر گرفته شده‌اند. (طبرسی، ۱۷۶/۳ و فخر رازی، ۲۲۵/۱۱) علی بن ابراهیم قمی نیز عبارت «لَيْسَ بِأَمَانِيْكُمْ» را به آرزوی بهشت مربوط ندانسته بلکه آن را به عذاب نشدن ربط داده است (قمی، ۱۵۳/۱). آیه اخیر علاوه بر مشرکان، اهل کتاب را نیز مخاطب قرار داده است: اهل کتاب بخاطر گناهانشان از عذاب جهنم ترس داشتند و با «أمانی» دل خود را خوش کرده بودند و به خود وعده رهایی از آتش جهنم را می‌دادند اما در دسته آیات بالا،

خداؤند «امانی» را برای معاف ماندن از مكافات عمل چاره ساز نمی‌داند و به گناهکاران اعم از مشرکان و اهل کتاب و عده مجازات می‌دهد (النساء، ۱۲۳). اهل کتاب با آنکه دل خود را با «امانی» خوش کرده بودند اما نمی‌توانستند به طور کامل خود را فریب دهند در نتیجه نسبت به حقانیت «امانی» در شک و گمان به سر می‌بردند (البقره، ۷۸). به همین دلیل از مكافات گناهان خود می‌ترسیدند و از «تمنّی» مرگ ابا می‌کردند حال آنکه در جهان‌بینی قرآنی «مرگ» برای اولیای الهی امری خوشایند است (الجمعه، ۷-۶).

## ۵- معناشناسی واژه «امنیّه» در آیه ۵۲ سوره حج

پیش از ذکر واژه «امنیّه» در آیه ۵۲ سوره حج، یعنی در آیات ۴۹ تا ۴۷ سوره حج، سخن از «وعده» عذاب الهی است: «وَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَ لَنْ يَخْفِ اللَّهُ وَعْدُهُ...» در این آیات خداوند با تأکید بر محقق شدن و عده عذاب، به کافران درباره قوع این وعده هشدار می‌دهد و در برابر استعجال آنها برای تحقق و عده عذاب، به سنت املاء و حلم الهی اشاره می‌کند. پس از آن و در آیه ۵۱ به سعی معاجزانه کافران در «آیات الهی» اشاره شده است. واژه «امنیّه» در صدر آیه ۵۲ آمده است و شکل مفرد واژه «امانی» است. این واژه اسم جنس بوده و به ضمیر «هاء» اضافه شده است و چنانکه سیوطی ذکر می‌کند اسم جنس مضاف، معنایی عام دارد (سیوطی، ۶۳۱/۱). همچنین مرجع ضمیر «هاء» یعنی «رسول» و «نبی» کلماتی نکره هستند که در سیاق نفی قرار گرفته‌اند و نکره در سیاق نفی و نهی، از ساختارهای عام ساز است (سیوطی، ۶۳۱/۱). بنابراین واژه «امنیّه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج بر همه آمانی تمام رسولان و انبیای الهی دلالت دارد و این واژه با آنکه در لفظ مفرد است اما در معنا عام است و از نظر نحوی امکان معامله مفرد یا جمع با آن وجود دارد: نظیر واژه مفرد «بشر» که در این عبارت قرآنی از آن با فعل جمع خبر داده شده است:

«أَبَشَّرَ يَهْدُونَا» (التغابن، ۶)

واژه «امنیّه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج و فعل مربوط به آن یعنی «تمنّی»، در ارتباط با

همه رسولان و انبیای الهی به کار رفته است: این برخلاف آیه ۱۲۱ سوره نساء است که در آن واژه «امانی» در ارتباط با شیطان مطرح شده است و او عامل به وجود آمدن «امانی» معرفی شده است. در صدر آیه ۵۲ سوره حج، شیطان در تقابل با آمانی رسولان و انبیای الهی قرار دارد. این دو گانگی و تقابل نشان می‌دهد که از نگاه قرآن کریم «امانی» بر دو نوع هستند: ۱- آمانی باطل که محصول تمیه شیطان هستند. ۲- آمانی حق که محصول «تمنی» رسولان و انبیای الهی هستند.

تفیح امانی عوام یهود، منافقان و مشرکان در قرآن کریم، که در بخش‌های پیشین به آن پرداخته شد، به دلیل باطل و بی اساس بودن آنهاست اما نمی‌توان ادعا کرد که از نظر قرآن کریم همه انواع «امانی» مردود هستند. در روایتی نقل شده است که امام رضا ع در خطاب به علی بن یقطین از آمانی فرج به نیکی یاد می‌کند: *قالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عَشِيْعَةُ تُرَبَّى بِالْأَمَانَى مُنْذُ مَا شَئْنَ سَنَةً...* علامه مجلسی در شرح این روایت، عبارت *تُرَبَّى بِالْأَمَانَى* را به این معنا می‌داند که، «به شیعیان گفته شده است که «گشايش چقدر نزدیک است و چه زود خواهد آمد» بنابراین احوالشان اصلاح یافته و قلویشان تثبیت شده است». طبق تصريح علامه مجلسی یکی از معانی «امنیّة» «وعده دادن به امری دوست داشتنی» است. (مجلسی، ۱۷۶/۴).

امانی باطل مصادقی از «زُخْرُفَ الْقَوْلِ» هستند که شیطان از سر فربیکاری به دشمنان تمام انبیاء وحی می‌کند. ایحاء «زُخْرُفَ الْقَوْلِ» همچون تمیه شیطان، از فربیکاری او نشات می‌گیرد و در نتیجه قلب منکران معاد به آن مایل گشته و آن را می‌پسندند و آنها تحت تاثیر «زُخْرُفَ الْقَوْلِ» هر چه بیشتر به کسب گناه روی می‌آورند (الانعام، ۱۱۲-۱۱۳). «زُخْرُفَ الْقَوْلِ» به معنای کلامی آراسته شده و مزین است که ظاهری خوشایند دارد اما حقیقت و پایه‌ای ندارد. (طبرسی، ۵۴۵/۴) بنابراین با خوشایند بودن ظاهر «امانی» باطل سازگار است. کاربرد تعبیر «ایحاء شیاطین» در ارتباط با «زُخْرُفَ الْقَوْلِ» عبارت دیگری از «القای شیطان» است (طوسی، ۲۴۲/۴) گاهی این دو تعبیر «ایحاء» و «القاء» در قرآن کریم به یک معنا به کار رفته‌اند: *إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا* (المزمول، ۵) در این آیه «القاء» به

معنای «ایحاء» به کار رفته است. (طبرسی، ۱۰/۵۷۰) شیطان با ایحاء «زُخْرُفَ الْقَوْلِ» و تمنیه، آمانی دشمنانِ انبیای الهی را شکل می‌دهد: یعنی باعث می‌شود آنها فریب خورده و به خود وعده غلبه بر پیامبران الهی را داده و به سعی معاجزانه در آمانی رسولان و انبیای الهی روی می‌آورند.

امانی القاء شده از سوی شیطان در تقابل با آمانی رسولان و انبیای الهی قرار دارند: هر یک از این دو گروه، به خود و پیروان خود، وعده غلبه بر دیگری را می‌دهند با این فرق که آمانی رسولان و انبیای الهی حق و مستند به وحی الهی هستند اما آمانی شیطان مزخرف و باطل است: شیطان قبل از تقابل پیروانش با انبیای الهی آنها را در توهمندی شکستناپذیری، قرار می‌دهد اما هنگام رویارویی مستقیم، پیروانش را تنها می‌گذارد و خود را خائف و ترسان از عقاب خدا معرفی می‌کند (الانفال، ۴۸). او در این هنگام بر حق بودن وعده‌های خدا و باطل بودن وعده‌های خود اقرار می‌کند (ابراهیم، ۲۲).

فرایند علم پیدا کردن اهل علم نسبت به حقانیت آمانی رسولان و انبیای الهی به این صورت قابل تبیین است که با گذر زمان و عدم تحقق وعده‌های شیطان، بطلان آمانی او آشکار گشته و نسخ و زایل می‌گردند و با نسخ و زایل شدن آنها، امید مومنان اهل علم به تحقق آمانی رسولان و انبیای الهی تقویت شده و دلها یشان به آن آرام می‌گیرد (الحج، ۵۴) در آیه ۵۲ سوره حج «آمنیه» رسولان و انبیای الهی، مصدق آیات الهی معرفی شده است: با آنکه واژه «آمنیه» مفرد است اما مفهوم آن عام است و به معنای «امانی» است بنابراین از نظر نحوی تطبیق مفهوم «آمنیه» بر کلمه «آیات» که جمع است، جایز است. «امانی» رسولان و انبیای الهی همان وعده‌های فرج و نوعی خبر دادن از غیب هستند و به این اعتبار در شمار آیات الهی و معجزات رسولان و انبیای الهی قرار دارند: آنها به استثناد وحی به خود و پیروان خود وعده پیروزی بر دشمنانشان را می‌دهند: در قرآن کریم واژه «آیه» در معنای معجزه به کار رفته و به اعتبار این معنا مصدق «غیب» معرفی شده است (یونس، ۲۰).

دشمنانِ شیطان صفتِ رسولان و انبیای الهی با «سعی در این آیات» یعنی تلاش برای جلوگیری از تحققِ این پیشگویی‌های غیبی، به دنبال به عجز در آوردن رسولان و انبیای الهی و ممانعت از تحققِ وعده‌های آنها هستند تا شکستِ آمانیِ رسولان و انبیای الهی را نظاره کنند و در برابر آنها، رسولان و انبیای الهی به استقامت پرداخته و از خداوند درخواست فرج و غلبه بر آنها را دارند. بنابراین هر گروه در معاجزه با گروه دیگر قرار دارد که در آیه ۵۱ سوره حج و سابق بر ذکر تمّنیِ رسولان و انبیای الهی، به این سعی معاجزانه کافران در آیات الهی، اشاره شده است. «سعی کافران در آیات الهی» در آیه ۵۱ با «القای شیطان در آمانیِ رسولان و انبیای الهی» در آیه ۵۲ تفسیر شده است: شیطان با تمّنیه یا همان القای وعده‌هایی بی اساس بر دل پیروان بیمار دل و قسی القلب خود، در دل آنها نسبت به تحققِ آمانیِ رسولان و انبیای الهی ایجاد شک می‌کند در نتیجه آنها گمراه شده و همواره و حتی تا زمان تحققِ آمانیِ رسولان و انبیای الهی در این دنیا، در شک خود باقی خواهدند مگر آنکه پیش از تتحققِ آمانیِ رسولان و انبیای الهی، مرگشان به طور ناگهانی فرا رسد (الحج، ۵۵). عکس العمل این منافقان بیمار دل و قسی القلب در برابر وعده فرج رسولان و انبیای الهی توام با انکار است و ادعا می‌کنند که خدا و رسولش آنها را فریب داده‌اند (الاحزاب، ۱۲).

از منظر بافتِ سوره، ذکر «تمّنی» و «امّنیه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج، با محتوای اصلی این سوره که مربوط به مناسک حج است، رابطه نزدیکی دارد: واژه «تمّنی» با نام سرزمین «منی» هم ریشه است که محل رمی جمرات در پایان مراسم حج است و در این محل مسلمانان به تاسی از حضرت ابراهیم ع به طرف نماد شیطان سنگ پرتاپ (=القا) می‌کنند: پرتاپ سنگ به طرف نماد شیطان پاسخی نمادین به «القاءات شیطان» است. نام بُت منات نیز با مراسم حج مرتبط است: در زمان جاهلیت اوس و خزرج در پایان مراسم حج عمل حلق را فقط در کنار بُت منات انجام می‌دادند و بدون آن حج خود را کامل نمی‌دانستند (حموی، ۲۰۵/۵).

شواهد ارایه شده نشان می‌دهد که فعل «تمنی» و واژه «آمنیه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج به معنای «وعله دادن به خویشتن» به کار رفته است و مصدق آن وعده‌های فرج است. معنای دیگری که اهل لغت برای فعل «تمنی» ذکر کرده‌اند، «تلاوت با ترسّل» است و در این ارتباط به شیوه تلاوت زبور توسط حضرت داود اشاره شده است: «تمنی داود الزبور على رسّل» (ابن منظور، ۲۹۴/۱۹). «ترسّل» خواندن به سبک تحقیق و بدون عجله است و در غنا به نوعی کشش صوت در تلاوت گفته می‌شود (فیومی، ۲۲۶). معنای «ترسّل» به معنای «تاویب» نزدیک است: قرآن کریم به «تاویب» حضرت داود اشاره می‌کند (سبا، ۱۰) و علامه طباطبائی «تاویب» را به معنای «ترجیح صوت برای تسبیح» می‌داند (طباطبائی، ۳۶۲/۱۶) «ترجیح صوت» به معنای زیبا ساختن صوت هنگام قرائت است (طربی‌ی، ۳۳۴/۴). حضرت داود از صوت خوش معروف بوده است. یکی دیگر از معنایی ای که اهل لغت برای فعل «تمنی» ذکر کرده‌اند «درخواست از خدا در حوائج» است (ازهری، ۳۸۳/۱۵). معنای اخیر با معنای «تلاوت با ترسّل» یا همان تاویب، قابل جمع است زیرا «درخواست از خدا در حوائج» گاهی به شکل «مناجات» است و مناجات گاهی با تاویب همراه می‌شود. مناجات‌های حضرت داود از نام مزامیر داوی در میان مزامیر عهد عتیق درج شده‌اند و به شکل سرود خوانده می‌شوند. هاکس به بیش از هفتاد سروده از سروده‌های داود (ع) در میان مزامیر عهد عتیق اشاره کرده است (هاکس، ۷۹۶-۸۰۰). تقریباً در تمام مزامیری که سروده حضرت داود (ع) هستند دعا برای نجات از شر دشمنان وجود دارد و همه با وعده‌های فرج تکمیل می‌شوند به این صورت که حضرت داود از طرف خداوند به خود وعده شکست دشمنان را می‌دهد. در ادامه نمونه‌هایی از مزامیر داودی ذکر می‌شود که به علت پراکنده بودن این مزامیر بین سایر مزامیر، شماره نمونه‌های ذکر شده متوالی نیست اما تقریباً در تمام مزامیر داودی «وعده فرج» وجود دارد: «وعده فرج» حضرت داود (ع) در مزمور سوم از مزامیر عهد عتیق چنین است: «خداوندا، دشمنان بسیار دارم... «تو به من پیروزی می‌بخشی» در مزمور ششم از زبان حضرت داود (ع)

چنین آمده است: «بیا ای خداوند و مرا نجات بده:... ای بدکاران از من دور شوید، زیرا خداوند صدای گریه مرا شنیده است. خداوند التماس مرا شنیده و دعای مرا مستجاب نموده است. «دشمنانم بشدت شرمنده گردیده و با خجالت از پیشگاه خداوند رانده می‌شوند.» حضرت داود (ع) در مزمور هفتم چنین می‌سراشد: «ای خداوند، خدای من! به تو پناه می‌آورم. مرا از دست تعقیب کنندگانم برهان... «خداوند نگهبان من است و راست دلان را نجات می‌دهد». آن حضرت (ع) در مزمور یازدهم چنین مناجات می‌کند: «من بر خدا توکل دارم. چرا به من می‌گویید: «مانند پرنده به کوهها فرار کن زیرا شریران کمان به دست گرفته و تیر به زه نهاده‌اند...[خداوند] بر شریران، باران آتش و گوگرد می‌فرستد و نصیب آنان، بادهای سوزاننده است». در مزمور سیزدهم حضرت داود (ع) چنین می‌سراشد: «ای خداوند، خدای من، بر من توجه کن و دعایم پاسخ بده! به من نیرو ببخش و از مرگ نجات من شوond. اما من به رحمت تو توکل دارم و دل من شاد است، زیرا «تو مرا نجات خواهی داد». ... در مزمور چهلم، حضرت داود (ع) پس از یادآوری الطاف عجیب و کثیر الهی در حق خودش چنین می‌گوید: «خداوند، در بین جماعت تو، این مژده را اعلام کرده‌ام که «تو ما را نجات می‌دهی». تو می‌دانی که من هرگز در این مورد سکوت نکرده‌ام، و من مژده نجات را در دل خود پنهان نکرده‌ام...» مزمور سی و هفتم سرشار از «أمانی» حضرت داود (ع) است در آیه بیست و نهم از این مزمور چنین آمده است: «مردم صالح وارت زمین خواهند شد و همیشه در آنجا زندگی خواهند کرد.» در قرآن کریم به این «وعده» حضرت داود (ع) اشاره شده است (الانبیاء، ۱۰۵). در روایات اهل بیت (ع) این وعده، بر فرج امام زمان (ع) تطبیق شده است (بحرانی، ۸۴۸/۳). از منظر سیک ارجاعی قرآن کریم، به نظر می‌رسد ذکر واژه «نبی» به طور خاص پس از واژه «رسول» و در صدر آیه ۵۲ سوره حج، ارجاع به حضرت داود (ع) به عنوان شاخص‌ترین انبیای الهی دارد: قرآن کریم آن حضرت را در شمار انبیا قرار داده و از او به طور خاص یاد می‌کند (الاسراء، ۵۵). واژه «نبی» هم ریشه با

واژه «نیا» به معنای «خبر» است و از منظر لغوی متناسب با مقام نبوی اخبار از غیب است (طباطبایی، ۱۴۰/۲). مقام «رسول» نیز مبنی بر «نبوت» و خبرهای غیبی است چون «رسالت» از جنس خبرهای غیبی است (طباطبایی، ۳۲۵/۱۶). بنابراین ذکر واژه «رسول» و «نبی» در صدر آیه ۵۲ سوره حج، با بیان وعده غیبی فرج تناسب دارد.

تفسران در تفسیر واژه «آمنیه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج، سه معنای «آرزو»، «تلاؤت» و «با خود حدیث گفتن» را ذکر کرده‌اند (به ترتیب نک: طباطبایی، ۳۹۱/۲، قرطبی، ۸۰/۱۲، مبیدی، ۳۸۶/۶). معنای «آرزو» براساس نقدی که در پیشینه ذکر شد ماهیتی انشائی دارد و قابل قبول نیست هر چند که ارتباط این معنا با معنای منتخب یعنی «وعده خواهایند دادن به خود و پیروان خود» تنگاتنگ است چون انسان آن چیزی را به خود وعده می‌دهد که قبل آرزو کرده است. معنای احتمالی «با خود حدیث گفتن» با مطاوعه موجود در مصدر «تمنی» سازگار است و با معنای منتخب در این مقاله یعنی «به خود وعده خواهایند دادن» قابل جمع است. معنای احتمالی «تلاؤت» و معنای لغوی «درخواست از خدا در حوائج» نیز با معنای منتخب قابل جمع‌اند و هر یک می‌تواند توصیف جنبه‌هایی خاص از معنای «وعده خواهایند دادن به خود و پیروان خود» باشد: با این توضیح که گاهی انبیای الهی همچون حضرت داوود در لحظاتی که زبان به مناجات و «درخواست از خدا در حوائج» می‌گشودند و هنگامی که از طریق مناجات خوانی و تلاؤت به درگاه الهی نزدیک می‌شدند، از طریق الهام وعده نصرت را دریافت می‌کردند و در میانه مناجات خوانی به خود وعده فرج و پیروزی می‌دادند.

## ۶- نتایج مقاله

از معناشناسی واژه‌های «امانی» و «آمنیه» در بافتار آیات قرآن کریم این نتیجه کلی حاصل می‌شود که این واژه‌ها در تمام کاربردهای قرآنی خود با مفهوم «وعده» ارتباط معناشناختی نزدیکی دارند:

- ۱- در آیه ۷۸ سوره بقره، واژه «امانی» در بافتار مربوط به تحریف و کتمان «وعده» توراتی بعثت رسول اکرم (ص) توسط علمای یهود به کار رفته است و مصدق آن رهایی سریع از آتش جهنم است که یهودیان غرق در گناه بی هیچ مستندی از تورات به خود وعده می دادند.
- ۲- در آیه ۱۱۱ سوره بقره، واژه «امانی» با اسم اشاره «تُلْكَ» به این «وعده» باطل یهود و مسیحیان مربوط شده است که هر یک به خود وعده بهشت می دادند.
- ۳- در آیه ۱۴ سوره حديد، واژه «امانی» از طریق وصفِ غرور بودن شیطان به «وعده های» فریبند او پیوند خورده است.
- ۴- واژه «امانی» در آیه ۱۲۳ سوره نساء، به وعده بخشووده شدن مكافات عمل در همین دنیا مربوط گشته که مشرکان نزد بت منات به خود «وعده» می دادند. همچنین این واژه به وعده ای مشابه که ساخته و پرداخته یهودیان دنیاپرست بود، مرتبط است که با وجود غرق بودن در گناه دل خود را به بخشووده شدن گناهان و رهایی سریع از جهنم خوش کرده بودند.
- ۵- واژه «امنیّه» در آیه ۵۲ سوره حج، به معنای «وعده خوشايند دادن به خود و پیروان خود» است و مصدق آن «وعده» فرج الهی است که رسولان و انبیای الهی به استناد وحی به خود و پیروان خود نوید می دادند. از منظر سبک ارجاعی قرآن کریم، پیوند واژه «امنیّه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج با واژه «نبی»، به حضرت داود علیه السلام به عنوان شاخص ترین نبی الهی ارجاع می دهد بر پایه این شناخت مخاطبان از کتاب او یعنی «زبور» بوده است که حاوی «امانی» حق و از جمله «امنیّه» فرج است.

## کتابشناسی

۱. القرآن الكريم.
۲. کتاب مقدس.
۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث و الأئمّة، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ش. ۱۳۶۷.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالكتاب العربي، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن عاشور، محمد بن طاهر، انتحریر و التنویر، بیروت: موسسه التاریخ، چاپ اول، بی‌تا.
۷. ابن عجیبه، احمد بن محمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: دکتر حسن عباس ذکی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۹. ازهربی، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: داراحیاء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۰. پایابی، علی‌اکبر و همکاران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۱. بغدادی، علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۲. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۳. بیضاوی، محمد بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: داراحیاء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۴. بیومی، محمد، بیروت: ناشر: دار النہضة العربیة، چاپ دوم، ۱۹۸۸م.
۱۵. جواد علی، المفصل فی تاريخ العرب قبل الاسلام، بیروت: مکتبه جریر، چاپ اول، ۲۰۰۶م.
۱۶. حقی برسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، بی‌تا.
۱۷. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵م.
۱۸. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دارالفکر الاسلامی، چاپ اول، بی‌تا.
۱۹. عموش، خلود، گفتمان قرآن: بررسی زبان‌شناختی بیوند متن و بافت قرآن، ترجمه سیدحسین سیدی، تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۲۰. ربین، آندره، «تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش‌شناسی جان و نزبرو»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، پژوهش‌های قرآنی، دوره ششم، ش. ۲۳، ۱۳۷۹ش.
۲۱. زحیلی، وهبة بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۲۲. زمخشیری، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالكتاب العربي، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۲۳. سمرقدی، نصر بن محمد، بحر العلوم، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، بی‌تا.
۲۴. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

۲۵. همو، الدر المثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲۶. صاحب، اسماعیل بن عیاد، المعحیط فی اللغة، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۷. صفوی، کورش، درآمدی بر معنی شناسی، تهران: سوره مهر، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
۲۸. همو، فرهنگ توصیفی معنی شناسی، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۲۹. طباطبائی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۳۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: دار احیاء التراث العربي، چاپ اول، بی‌تا.
۳۴. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۳۵. قرطی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
۳۸. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.
۳۹. هاکس، مستر، قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۴۰. هواری، هود بن محکم، تفسیر کتاب الله العزیز، الجزایر: دارالبصائر، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.